



A Study of Lost Years Claims in English Law and its Feasibility in Iranian Legal System

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.2.1

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Zeinab Tari

ORCID: <https://0009000255951885>

² Zahra Ayoubi

ORCID: <https://0009000542833638>

Affiliation:

¹ Ph.D. Graduate in Private Law,
Faculty of Law, Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran

² Ph.D. Graduate in Private Law,
Faculty of Law, Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran

Correspondence:*

Email: zeinab.tari1367@gmail.com

Article History:

Received: 2024/11/16

Accepted: 2025/02/26

Abstract

The "lost years" claim is a legal action arising from personal injuries caused by the negligence of the tortfeasor. In addition to the general conditions for bringing a tort liability claim based on negligence, it is necessary for the injured party to demonstrate a reduction in their life expectancy due to the injury. Such claims are typically pursued in cases of severe bodily harm, with the injured party seeking compensation for the income they could have earned during the years lost from their life. English courts calculate compensation for lost income by considering factors such as the victim's age, expected working life, retirement age, pre-injury health condition, and life expectancy prior to the injury. After deducting personal living expenses for the lost years, the court determines the appropriate award. This study investigates the feasibility of introducing such claims in the Iranian legal system. Although such claims are uncommon in Iranian courts, the findings indicate that they can be argued under the general principles of damage compensation and civil liability as a form of "possible gains." However, Note 2 of Article 14 of the Iranian Code of Criminal Procedure may, in cases where blood money (Diyah) is awarded, create barriers to compensating this type of damage. Thus, given the lack of explicit legislation regarding lost years claims, drafting specific provisions for the recognition of possible gains during lost years is essential to achieve the principle of full compensation for personal injuries.

Keywords: Injured Party, Lost Years, Lost Income, Reduced Life Expectancy, Loss of Profit, Possible Gains





بررسی دعاوی سال‌های از دست‌رفته در حقوق انگلیس و امکان‌سنجی آن در حقوق ایران

زینب تاری^{۱*}، زهرا ایوبی^۲

۱- دانش‌آموخته دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- دانش‌آموخته دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

چکیده

دعای «سال‌های از دست‌رفته» یکی از دعاوی ناشی از صدمات بدنی است که در اثر بی‌احتیاطی عامل زیان مطرح می‌گردد. برای طرح این دعوا، علاوه بر شرایط عمومی دعای مسئولیت مدنی ناشی از بی‌احتیاطی، لازم است امید به زندگی زیان‌دیده بر اثر صدمه بدنی کاهش یافته باشد. این دعای معمولاً در خصوص صدمات بدنی شدید مطرح می‌شوند و زیان‌دیده در پی جبران درآمدی است که در سال‌های از دست‌رفته زندگی خود می‌توانست کسب کند. دادگاه‌های انگلیس برای تعیین غرامت از دست رفتن درآمد، عواملی مانند سن زیان‌دیده، عمر کاری مورد انتظار، سن بازنشستگی، وضعیت سلامتی و امید به زندگی پیش از صدمه بدنی را در نظر گرفته و پس از کسر هزینه‌های شخصی زندگی زیان‌دیده در سال‌های از دست‌رفته، حکم مقتضی را صادر می‌نمایند. این پژوهش در پی بررسی امکان طرح چنین دعاوی در حقوق ایران است. اگرچه طرح این دعای در دادگاه‌های ایران رایج نیست، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با استناد به قواعد عمومی جبران خسارت و مسئولیت مدنی، شرایط جبران

E-mail: zeinab.tari1367@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



این نوع خسارت تحت عنوان «منافع ممکن‌الحصول» قابل طرح است. هرچند، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ممکن است در مواردی که دیه پرداخت می‌شود، موانعی برای جبران این نوع خسارت ایجاد کند؛ بنابراین، به دلیل خلأ قانون‌گذاری صریح در زمینه دعاوی سال‌های ازدست‌رفته، تدوین مقررات خاص درباره منافع ممکن‌الحصول سال‌های ازدست‌رفته برای نیل به اصل جبران کامل خسارت‌های بدنی ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: زیان‌دیده، سال‌های ازدست‌رفته، درآمد ازدست‌رفته، کاهش امید به زندگی، عدم‌النفع، منافع ممکن‌الحصول.

۱. مقدمه

در حقوق انگلیس، اصطلاح «سال‌های ازدست‌رفته»^۱ به دوره‌ای اشاره دارد که در طی آن، اگر زیان‌دیده دچار صدمه جسمانی ناشی از بی‌احتیاطی دیگری نشده بود، می‌توانست به کسب درآمد خود ادامه دهد (Gough, 1983, p.486; Regan, 2018, p.11). این اصطلاح در دعاوی صدمات جسمانی اهمیت زیادی دارد زیرا به‌طور مستقیم بر میزان غرامت اعطا شده به زیان‌دیدگان تأثیر می‌گذارد. در حقوق انگلیس، محاسبه غرامت برای «سال‌های ازدست‌رفته» به یک رویه تثبیت‌شده تبدیل شده است که در آن، اثرات اقتصادی مرگ زودرس یا آسیب‌های ناتوان‌کننده به دقت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

همچنین، به موجب قانون حوادث مرگبار^۲ مصوب ۱۹۷۶، بستگان متوفی می‌توانند از عامل زیان، خسارت سال‌های ازدست‌رفته عمر متوفی را دریافت کنند. طبق این مقرره، بستگان متوفی حق دارند درآمدهایی را دریافت کنند که فرد فوت‌شده در صورت زنده ماندن می‌توانست کسب کند. هدف این مقرره، حمایت مالی از افراد تحت تکفل متوفی و جبران درآمدی است که متوفی با آن به خانواده خود کمک می‌کرد. از آنجا که موضوع مقاله حاضر،

1. Lost Years

2. section 1(1) of the Fatal Accidents Act 1976



درآمد سال‌های از دست‌رفته در اثر کاهش امید به زندگی زیان‌دیده در حوادثی است که منجر به مرگ فوری زیان‌دیده نمی‌شود، به بحث خسارت سال‌های از دست‌رفته متوفی طبق این مقرر قانونی پرداخته نخواهد شد.

این مقاله به بررسی دعاوی «سال‌های از دست‌رفته» در حقوق انگلیس پرداخته و امکان طرح این دعاوی را در چارچوب حقوقی ایران تحلیل می‌کند. در حالی که حقوق انگلیس روش دقیقی برای محاسبه خسارت سال‌های از دست‌رفته ارائه می‌دهد، حقوق ایران که متأثر از اصول اسلامی، قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی است، رویکردی متفاوت در جبران خسارت اتخاذ کرده است. بر این اساس، این مقاله با بررسی مفهوم سال‌های از دست‌رفته، شرایط طرح این دعاوی، انواع زیان‌دیدگان این دعاوی، انواع خسارت‌های قابل جبران و نحوه محاسبه خسارت سال‌های از دست‌رفته، تفاوت‌ها و شباهت‌های کلیدی بین رویکردهای حقوق انگلیس و ایران را در جبران ضررهای ناشی از کاهش امید به زندگی به دلیل صدمه جسمانی برجسته می‌کند. این تحلیل تطبیقی، بینش‌هایی را درباره چگونگی اجرای بالقوه مفهوم «سال‌های از دست‌رفته» در نظام حقوقی ایران، با توجه به فرصت‌های اصلاح و چالش‌های احتمالی، ارائه می‌دهد.

۲. مفهوم سال‌های از دست‌رفته

در حقوق، مفهوم «سال‌های از دست‌رفته»^۲ به دوره‌ای فرضی اشاره دارد که اگر فرد در اثر صدمه بدنی ناشی از بی‌احتیاطی دیگری دچار آسیب نمی‌شد و امید به زندگی‌اش کاهش نمی‌یافت، در آن مدت به کسب درآمد و بهره‌مندی از حقوق بازنشستگی یا مزایای مالی دیگر ادامه می‌داد.

خسارت سال‌های از دست‌رفته در حقوق انگلیس به عنوان یکی از خسارت‌های خاص ناشی از صدمات بدنی شناخته می‌شود. خسارت‌های قابل جبران در دعاوی صدمات بدنی شامل

3. Lost Years



خسارات عام^۴ و خسارات خاص^۵ هستند. خسارات عام، مانند درد و رنج و از دست دادن لذت زندگی، به طور دقیق قابل محاسبه مالی نیستند؛ اما خسارات خاص، قابل اندازه گیری و اثبات هستند (Harpwood, 2005, p.375). خسارت سال های ازدست رفته، خسارت خاص تلقی می گردد، زیرا مربوط به خسارات های مالی و اقتصادی است که قابل محاسبه هستند. دادگاه ها معمولاً محاسبه می کنند که اگر حادثه اتفاق نمی افتاد، فرد در سال های آینده چه میزان درآمد کسب می کرد و این محاسبه بر اساس شواهد مالی و حرفه ای فرد انجام می شود.

دعوی سال های ازدست رفته ممکن است با سایر انواع خسارات مادی مانند فرصت ازدست رفته یا از دست دادن درآمد آینده اشتباه گرفته شود. تفاوت اصلی این دعوی در کاهش امید به زندگی زیان دیده است؛ به این معنا که برای طرح ادعای سال های ازدست رفته، باید ثابت شود که امید به زندگی در اثر آسیب کاهش یافته است و تنها در این صورت زیان دیده می تواند ادعای خسارات مالی ناشی از سال های ازدست رفته خود را مطرح کند. در مقابل، در دعوی فرصت ازدست رفته یا از دست دادن درآمد آینده، نیازی به کاهش امید به زندگی نیست و زیان دیده می تواند بدون این شرط، این نوع خسارات را مطالبه نماید.

علاوه بر تفاوت در گستره شمول، تفاوت اصلی میان فرصت ازدست رفته و سال های ازدست رفته در ماهیت زیان است. در فرصت ازدست رفته، ضرر بالفعل بوده و ناشی از دست دادن فرصت است؛ زیرا آنچه به عنوان ضرر مطرح است، نفس از دست دادن فرصت است و این بالفعل وجود دارد و غیر از آن نفع نهایی است که مورد انتظار بوده و احتمال تحصیل آن در آینده وجود داشته است (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴). به تعبیر دیگر، این زیان از خود فرصت به عنوان یک امکان اقتصادی یا شغلی ناشی می شود و نیازی به کاهش طول عمر یا آسیب جسمانی شدید ندارد؛ اما در دعوی سال های ازدست رفته، به دلیل کاهش امید به زندگی، زیان دیده توانایی بالقوه کسب درآمد در آینده را از دست می دهد و این دعوا شامل فرصت خاصی در زمان حال نیست، بلکه بر آینده فرد تأثیر می گذارد.

4. General Damages

5. Special Damages



در حقوق ایران، اگرچه مفهوم «سال‌های ازدست‌رفته» به‌طور مستقیم تعریف نشده، اما از طریق اصول مسئولیت مدنی و قواعد خسارت، به‌ویژه در موارد کاهش توانایی کسب درآمد یا کاهش طول عمر، قابل شناسایی است. به‌طور کلی، اکثر حقوق‌دانان خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌کنند (بابایی، ۱۳۹۵، ص ۴۵؛ باریکلو، ۱۳۹۶، ص ۶۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۷۹؛ داراب پور، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵؛ عباسلو، ۱۳۹۴، ص ۲۲۷؛ قاسم زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۴؛ کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۴۲؛ کاظمی، ۱۳۹۵، ص ۶۴۳؛ مهمان‌نوازان، ۱۳۹۰، ص ۵۷). در بخش خسارت‌های مادی، از دست دادن درآمد و کاهش توانایی کسب منفعت، به عنوان «عدم‌النفع» یا «منافع ممکن‌الحصول» مورد توجه قرار می‌گیرد. وجه اشتراک تعاریفی که از عدم‌النفع ارائه شده این است که عدم‌النفع محروم شدن از منافع مورد انتظار و یا به عبارتی محرم شدن از نفعی است که مقتضی وجود آن حاصل شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۴۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۴۴۵؛ امامی، ۱۳۷۰، ص ۴۰۷-۴۰۸). از عدم‌النفعی که بر اساس سیر طبیعی، در صورت عدم تحقق فعل زیان‌بار، تحقق می‌یافت به منفعت ممکن‌الحصول نیز تعبیر شده است. منافع ممکن‌الحصول نیز منافی هستند که طبق سیر طبیعی و متعارف برای زیان‌دیده ایجاد می‌شدند، اما در اثر اقدام عامل زیان ازدست‌رفته‌اند (ره پیک، ۱۳۹۵، ص ۵۲).

طبق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه (شماره 7/1402/979 مورخ 1402/12/02): «منافع ممکن‌الحصول، منافی هستند که مقتضی وجود آن‌ها حاصل شده باشد. این گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی آن را تلف کند یا باعث تفویت آن شود، باید خسارت ناشی از اقدام خود را جبران کند؛ مانند اجرت‌المثل ایام بیکاری راننده شاغل تاکسی صدمه‌دیده که با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و قواعد تسبیب و لاضرر و مقررات قانون مسئولیت مدنی، این قبیل منافع قابل مطالبه‌اند؛ به هر حال تمیز و تشخیص منافع ممکن‌الحصول در هر مورد، به عهده قاضی رسیدگی‌کننده می‌باشد و احصاء مصادیق آن از وظایف این اداره کل خارج است»؛ بنابراین، خسارت‌های مربوط به سال‌های ازدست‌رفته را می‌توان به عنوان «عدم‌النفع» یا «منافع



ممکن‌الحصول» زیان‌دیده تلقی کرد، زیرا منافعی که فرد انتظار داشت در دوران باقی‌مانده از عمر طبیعی خود به دست آورد، به دلیل حادثه یا کاهش امید به زندگی وی از بین رفته‌اند.

۳. شرایط طرح دعاوی سال‌های ازدست‌رفته

نظام حقوقی انگلستان، با پیشینه‌ای غنی در دعاوی سال‌های ازدست‌رفته، قواعد مشخصی برای رسیدگی به دعاوی سال‌های ازدست‌رفته و جبران خسارت‌های مالی مرتبط با آن ارائه می‌دهد. خسارت سال‌های ازدست‌رفته یکی از انواع خسارت‌های ناشی از صدمات بدنی است که در اثر بی‌احتیاطی^۶ عامل زیان ایجاد می‌شود. شرایط احراز مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی عبارتند از: الف) وظیفه احتیاط و مراقبت: عامل زیان وظیفه احتیاط و مراقبت نسبت به زیان‌دیده داشته باشد. این تکلیف به معنای تعهد به اجتناب از اعمال سهل‌انگارانه‌ای است که موجب صدمه به دیگری می‌شود. ب) نقض وظیفه: عامل زیان وظیفه خود را نقض کند؛ یعنی از فراهم کردن مراقبتی که یک شخص متعارف در موقعیت مشابه ارائه می‌دهد، خودداری ورزد. ج) ورود خسارت: در نتیجه این نقض، خسارتی به زیان‌دیده وارد آید (Horsey & Rackley, 2017, p.28).

به‌منظور احراز مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی، رابطه علیت بین نقض وظیفه و خسارت وارده اهمیت ویژه‌ای دارد. برای اثبات این رابطه، زیان‌دیده باید نشان دهد که اگر عامل زیان وظیفه احتیاط خود را به درستی انجام می‌داد، آسیب‌دیدگی رخ نمی‌داد یا شدت آن به شکل قابل توجهی کاهش می‌یافت. در این راستا، اصل «آزمون علت مستقیم»^۷ مطرح می‌شود که بیان می‌دارد: آیا زیان‌دیده اگر بی‌احتیاطی عامل زیان نبود، همچنان دچار خسارت می‌شد؟ اگر پاسخ منفی باشد، عامل زیان مسئول جبران خسارت خواهد بود (Cane, 2002, p.120-122)؛ بنابراین، اگر نقض وظیفه عامل زیان به‌طور مستقیم منجر به کاهش سال‌های زندگی فرد شده

6. Negligence

7. but for test



باشد، خسارت مالی ناشی از درآمدهای ازدست‌رفته در سال‌های ازدست‌رفته محاسبه شده و به‌عنوان خسارت خاص مورد مطالبه قرار می‌گیرد.

در حقوق ایران، به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای جبران خسارت‌های مادی ناشی از کاهش امید به زندگی، به عنوان یکی از انواع خسارت‌های وارد شده به سلامتی افراد، فراهم است. همچنین، طبق ماده ۵ و ۶ قانون، واردکننده‌ی زیان مسئول جبران کلیه خسارات ناشی از آسیب به بدن یا سلامتی شخص از جمله خسارات ناشی از کم شدن قوه کار یا سلب قدرت کار کردن به عنوان مصداقی از عدم‌النفع می‌باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱). همچنین، گفته شده است که عناصر اقتصادی که ناشی از تجاوز به تمامیت جسمانی افراد و به نوعی نقض حق است طبق مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی قابل جبران می‌باشند (بادینی، ۱۳۹۰، ص ۷۵)؛ بنابراین، امکان مطالبه خسارت‌های مادی ناشی از کاهش امید به زندگی به عنوان مصداقی از عدم‌النفع وجود دارد. گرچه میزان دقیق این خسارت مشخص نیست، اما در دید عرف مسلم است. در این موارد، ظن به ورود خسارت برای جبران آن کافی است و در مواردی که طبق سیر طبیعی و متعارف امور احتمال ورود خسارت بیشتر است حکم به جبران خسارت داده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۸۰)؛ زیرا در مواردی که به دلیل صدمه بدنی، امید به زندگی زیان‌دیده کاهش یافته، علت خسارت به صورت قطعی تحقق یافته و همانند خسارت احتمالی، وقوع آن محتمل نیست (عباسلو، ۱۳۹۴، ص ۲۳۶). تنها شبهه‌ای که ممکن است مطرح گردد، غیرمستقیم بودن این خسارات است؛ زیرا آنچه مستقیماً از حادثه زیان‌بار ناشی شده، صدمه بدنی است. با وجود این، گفته شده است که اگر به نظر دادرس، خسارتی که در آینده و به احتمال زیاد وارد می‌شود ادامه و نتیجه مسلم و مستقیم وضع فعلی زیان‌دیده باشد، باید آن را در حکم خسارت مستقیم و کنونی شمرد و نباید آن را با خسارتی که امکان ورود آن می‌رود مخلوط کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۷۹). برای مثال، فردی ۳۰ ساله که به دلیل حادثه‌ای دچار صدمه بدنی شدید شده و امید به زندگی او از ۷۵ سالگی به ۳۲ سالگی کاهش یافته، صدمه جسمی وارد شده به این فرد به صورت قطعی و مسلم محقق شده است. اگر اقدام واردکننده زیان مستقیماً منجر به کاهش امید به زندگی و عدم امکان کسب درآمد در



سال‌های ازدست‌رفته گردد، خسارت مزبور قابل مطالبه است، حتی اگر این خسارت مربوط به پس از فوت وی باشد زیرا غیرمستقیم محسوب نمی‌شود.

البته، به موجب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر شده است که: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». برخی از حقوق‌دانان به علت تعارض متن این تبصره با بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سابق^۸ گفته‌اند که منظور این تبصره، عدم‌النفعی است که جنبه کاملاً احتمالی داشته باشد به نحوی که عرفاً ضرر محسوب نشود؛ اما محروم شدن از منفعتی که عرفاً و به حکم عادت تحقق می‌یابد، ضرر محسوب شده عموماً لزوم جبران ضرر ناروا شامل آن نیز می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۴۳؛ باریکلو، ۱۳۹۶، ص ۷۷؛ شمس، ۱۳۹۴، ص ۳۹۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴؛ قاسم زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۴). از این رو، درآمد ازدست‌رفته که در صورت وقوع صدمه بدنی عرفاً و به حکم عادت ایجاد می‌شود، مشمول این تبصره نخواهد بود. با این حال، طبق تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲، در صورت تعلق دیه، زیان‌دیده نمی‌تواند منافع ممکن‌الحصول را مطالبه کند؛ به عبارت دیگر، قانون‌گذار دیه را جبران‌کننده منافع ممکن‌الحصول زیان‌دیده پنداشته و مطالبه خسارتی از این بابت را مازاد بر دیه و خلاف شرع دانسته است.

پیش از تصویب این قانون، امکان مطالبه منافع ممکن‌الحصول بر اساس ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی وجود داشت، زیرا قانون مجازات اسلامی در باب دیه سکوت کرده بود؛ اما تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مطالبه منافع ممکن‌الحصول را در موارد پرداخت دیه منع کرده که این امر با قانون مسئولیت مدنی و همچنین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که دیه را دارای ماهیت مسئولیت مدنی تلقی می‌کند، متعارض است؛ زیرا اگر دیه نوعی

۸. بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، منافع ممکن‌الحصول را به عنوان یکی از خسارات قابل مطالبه ناشی از جرم برشمرده است.



مسئولیت مدنی باشد، باید جبران تمامی خسارت‌ها را پوشش دهد. حال آنکه مبلغ دیه نمی‌تواند برای جبران از کارافتادگی و درآمد ازدست‌رفته افرادی با مهارت‌های خاص، مانند فوتبالیست‌ها یا پزشکان که درآمدشان به مراتب بیشتر از مبلغ دیه است، کفایت کند. به همین دلیل، تبصره یادشده با مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی، یعنی جبران کامل خسارت‌ها، متعارض است. با توجه به صراحت این ماده، به گفته برخی مسیر نظام حقوقی‌مان برای جبران کامل زیان‌ها دشوارتر خواهد شد (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴).

برخی حقوق‌دانان برای تفسیر تبصره ۲ ماده ۱۴ راهکاری ارائه داده و اطلاق آن را به این صورت مقید کرده‌اند: اگر منافع ممکن‌الحصول (از دست دادن درآمد) ناشی از صدمات بدنی فعلی را با مشاغل صدر اسلام مقایسه کنیم، در آن زمان مشاغل ساده و بدون نیاز به مهارت تخصصی خاص بوده و سطح درآمدها به هم نزدیک بوده است؛ بنابراین، از دست دادن منافع ممکن‌الحصول در حد کارگر ساده، با مبلغ دیه قابل جبران است؛ اما در صورتی که زیان‌دیده دارای مهارت خاص باشد و حقوق بالاتری دریافت می‌کرده، خسارت از دست رفتن درآمد مازاد بر دیه نیز قابل مطالبه خواهد بود (کریمی و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۳۷۵-۳۷۶). این تفسیر با چالش‌هایی مانند تعیین معیار تخصص و درآمد مواجه است که با شرایط زمانی و مکانی تغییر می‌کند و ممکن است به آرای متناقض منجر شود؛ بنابراین، شایسته است قانون‌گذار با تدوین تبصره یا ماده‌ای قانونی، مبنایی شفاف برای دادگاه‌ها فراهم کند تا از تفسیرهای متنوع جلوگیری و عدالت در جبران خسارات بدنی تضمین شود.

۴. انواع زیان دیدگان سال‌های ازدست‌رفته

در حقوق انگلستان، دعوای خسارت ناشی از سال‌های ازدست‌رفته در اثر کاهش امید به زندگی از طریق تصمیمات قضایی متعدد و مهم به‌عنوان زیان قابل جبران پذیرفته شده است. با توجه به رویه قضایی، انواع زیان‌دیدگان و تفاوت‌های موجود در وضعیت‌های آن‌ها، ادعای «سال‌های ازدست‌رفته» به سه دسته اصلی تقسیم شده است: بزرگسالان، نوجوانان و کودکان.



۴-۱. ادعای سال‌های ازدست‌رفته بزرگسالان^۹

مرجع اصلی برای ادعای خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» در بزرگسالان، تصمیم مجلس اعیان در پرونده‌ی پیکت^{۱۰} است. دادگاه‌های انگلستان در این پرونده برای اولین بار این خسارت را به رسمیت شناختند؛ تا پیش از آن، زیان‌دیده تنها می‌توانست درآمدهای آینده را، در صورتی که احتمال زنده‌بودن او در آن زمان وجود داشت، مطالبه کند (Ward & Thornton, 2009, p.27). در دعوای پیکت، مجلس اعیان مقرر کرد که زیان‌دیده (ویلیام پیکت) که به دلیل سهل‌انگاری متهم دچار آسیب مهلکی شده بود، مستحق دریافت غرامت برای درآمدهایی است که در طول سال‌های ازدست‌رفته کسب می‌کرد. پیکت در شرکت خواهان مشغول به ساخت راه‌آهن بود و طی کار در معرض گردوغبار مواد شیمیایی قرار گرفت که موجب ابتلای او به سرطان ریه شد، به‌طوری‌که پیش‌بینی می‌شد تنها یک سال از زمان ابتلا زنده بماند. در زمان دعوا، او ۵۱ ساله بود و طبق شواهد، در صورت عدم ابتلا به بیماری، امکان کار تا سن ۶۵ سالگی را داشت؛ در نتیجه، امید به زندگی او به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافت. پیکت علیه کارفرمای خود ادعای جبران خسارت کرد. سؤال حقوقی اصلی در این پرونده این بود که آیا دادگاه باید در محاسبه‌ی خسارت، کاهش شدید امید به زندگی پیکت را نیز در نظر بگیرد؟ چرا که شواهد نشان می‌داد پیش از ابتلا به بیماری، او در شرایط جسمانی بسیار مطلوبی قرار داشت. نهایت، اکثریت قضات مجلس اعیان (دیوان عالی کنونی) به نفع پیکت رأی دادند و اعلام کردند که شاکی مستحق دریافت غرامت برای «سال‌های ازدست‌رفته» است، یعنی سال‌هایی که می‌توانست زندگی کند، اگر قصور عامل زیان نبود.

پیش از این دعوا، در پرونده‌ی اشمن^{۱۱}، دادگاه تجدیدنظر مقرر کرده بود که زیان‌دیده نمی‌تواند خسارت مربوط به سال‌های ازدست‌رفته را مطالبه نماید و تنها خسارت مربوط به زمانی که در قید حیات است، قابل مطالبه می‌باشد (Prevett, 1982, p.30). این تصمیم مبتنی بر

9. Adult lost years claims

10. Pickett v British Rail Engineering Ltd [1980] AC 136.

11. Oliver v. Ashman [1962] 2 Q.B. 210



این منطق بود که زیان‌دیده فرصت استفاده از درآمد آتی را از دست داده و او دیگر زنده نخواهد بود تا از آن پول لذت ببرد (Malcolm, 1963, pp. 149-150). دادگاه استدلال کرد که به دلیل پیچیدگی و حدسی بودن محاسبه درآمد سال‌های از دست‌رفته، تعیین دقیق میزان آن امکان‌پذیر نیست و دادگاه‌ها نباید وارد این حوزه شوند زیرا نمی‌توانند دقیق محاسبه کنند که فرد چقدر درآمد داشته یا قرار بوده داشته باشد.^{۱۲}

در مخالفت با این استدلال، برخی بیان داشتند که محاسبه‌ی خسارات فرضی در دادگاه‌های انگلستان غیرمعمول نیست؛ به عنوان مثال، در مواردی که زیان‌دیده، بدون از دست دادن امید به زندگی، به دلیل کاهش توانایی کار درآمد آتی خود را از دست داده، دادگاه‌ها به محاسبه‌ی درآمدهای فرضی او در آینده می‌پردازند. همچنین، ارزیابی خسارت‌های معنوی مانند درد و رنج یا از دست دادن لذت‌های زندگی، اغلب از ارزیابی این درآمدهای فرضی دشوارتر است و بنابراین نمی‌توان این استدلال را به عنوان دلیلی موجه برای رد خسارات مربوط به سال‌های از دست‌رفته در نظر گرفت (Gough, 1983, p.486).

مجلس اعیان در پرونده پیکت، نظر دادگاه استیناف در پرونده اشمن را رد و تأکید کرد که بر اساس اصل جبران کامل خسارت، زیان‌های ناشی از صدمات شخصی باید به‌طور کامل جبران شود. دادگاه‌ها باید هنگام محاسبه درآمدهای آتی، امید به زندگی شاکی را در نظر بگیرند و زیان‌دیده را تا حد امکان در موقعیتی قرار دهند که در صورت عدم وقوع صدمه بدنی در آن قرار داشت.^{۱۳} در نظر گرفتن خسارت سال‌های از دست‌رفته، به‌ویژه برای افراد شاغل، با انتظارات عمومی هماهنگ‌تر است، زیرا این درآمدها، حتی اگر مستقیماً قابل فروش نباشند، دارای ارزش تخمینی هستند که پرداخت آن حس جبران خسارت را ایجاد می‌کند.^{۱۴}

در حقوق ایران، درآمد از دست‌رفته یا تلف منافع شخصی که به دلیل قرارداد کار یا عملکرد عادی به‌عنوان درآمد قطعی شکل گرفته باشد، ضمان‌آور است، مشروط بر اینکه ورود ضرر

12. Oliver v. Ashman [1962] 2 Q.B. 210 per Willmer L.J. at p. 240 or Holroyd Pearce L.J. at p. 230

13. Lord Edmund-Davies at p 162 in Pickett v British Rail [1980] AC 136

14. Lord Wilberforce at p 150 in Pickett v British Rail [1980] AC 136



مسلم باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۲). با توجه به لزوم مراجعه به عرف در تشخیص ضرر و با در نظر گرفتن این که عرف، نفعی را که احتمال تحقق آن بالا باشد ضرر تلقی می‌کند، می‌توان گفت چنین منافعی قابل جبران‌اند. از سوی دیگر، این نتیجه حاصل می‌شود که ایراد صدمه بدنی به فرد بیکار یا کسی که تأثیری در کاهش درآمد او نداشته است، ضمان‌آور نیست.

مشهور فقها عدم‌النفع انسان را قابل مطالبه نمی‌دانند، زیرا انسان آزاد مال محسوب نمی‌شود و منافع او نیز قابل غصب نیست؛ علاوه بر این، منافع انسان همواره در تصرف خودش است و هرگاه از بین برود در تصرف خودش از بین رفته است (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸). با این حال، این دیدگاه با توجه به شرایط جوامع صنعتی امروزی قابل توجیه نیست، زیرا مال بودن یا نبودن چیزی عرفی است و نیروی کار در دنیای امروز به‌عنوان مال یا سرمایه تلقی می‌شود. بسیاری از افراد سرمایه‌ای جز نیروی کار خود ندارند و بر اساس ادله حرمت اتلاف مال غیر و لزوم جبران خسارت، نیروی کار نیز مشمول این قواعد می‌شود؛ بنابراین، زیان‌دیده حق مطالبه خسارت ناشی از تلف نیروی کار خود را دارد (باریکلو، ۱۳۹۶، ص ۷۳).

برخی با استدلال اینکه از بین بردن وسیله تحصیل مال نیز اضرار محسوب می‌شود و اینکه نیروی کار در بازار آزاد با پول مبادله می‌شود، به ضمان‌آور بودن از بین بردن دستمزد کارگر رأی داده‌اند؛ به عبارت دیگر، هرگاه ظن کار کردن به حدی قوی باشد که در نظر عرف مسلم شود، از ایجاد ضرر نباید تردید کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۵۳)؛ بنابراین، اگر نیروی کار به‌طور عرفی مال تلقی شود، مانند صنعتگران و سایر افراد شاغل، خسارت ناشی از محرومیت از نیروی کار آنان قابل جبران خواهد بود، مگر در مواردی که نیروی کار از منظر عرف مال محسوب نشود. به عنوان مثال، محروم کردن افراد بیکار و تنبل از نیروی کارشان، عرفاً مال به شمار نمی‌آید و موجب مسئولیت مدنی نخواهد شد، زیرا منفعتی که احتمال حصول آن ضعیف است، ضرر به شمار نمی‌آید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹).

بدین ترتیب، دست‌کم در مواردی که زیان‌دیده بزرگسال و شاغل باشد، طرح دعوای



سال‌های ازدست‌رفته به دلیل محرومیت از درآمد احتمالی این سال‌ها به دنبال صدمه جسمانی ناشی از اقدام عامل زیان، قابل پذیرش خواهد بود. در صورتی که ثابت شود فرد زیان‌دیده در صورت ادامه حیات قادر به کسب درآمد بوده است، از منظر حقوقی می‌توان ادعا کرد که این منافع به‌عنوان منافع ممکن‌الحصول قابل جبران است.

در مواردی که زیان‌دیده در زمان حادثه بیکار بوده و احتمال اشتغال او در آینده ضعیف باشد، منفعت سال‌های ازدست‌رفته به‌عنوان عدم‌النفع ممکن‌الحصول محسوب نمی‌شود و طبق تبصره ۲ ماده‌ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی قابل مطالبه نخواهد بود. در این موارد، حتی در صورت عدم وقوع عمل زیان‌بار، فرد هیچ‌امیدی به کسب درآمد نداشته و به همین دلیل مقتضی برای جبران خسارت وجود ندارد؛ بنابراین، به نظر نمی‌رسد که برای طرح چنین دعاوی مبنای قانونی یا نظری وجود داشته باشد. با این حال، این به معنای نادیده گرفتن خسارت ناشی از کاهش امید به زندگی برای تمام افراد بیکار نیست. برخی افراد بیکار ممکن است به دلایل اجتماعی از اشتغال و کسب درآمد محروم شده باشند. اگر انتظار معقولی وجود داشته باشد که فرد بیکار در آینده شغلی بیابد، دادگاه‌ها می‌توانند با در نظر گرفتن مهارت‌ها، تخصص، سن و شرایط اقتصادی زیان‌دیده، امکان جبران خسارت را به‌عنوان منافع ممکن‌الحصول بررسی کنند.

۴-۲. ادعای سال‌های ازدست‌رفته نوجوانان^{۱۵}

در دعاوی پیکت، به طور مستقیم درباره درخواست خسارت سال‌های ازدست‌رفته توسط نوجوانان بحث نشده است؛ اما در پرونده‌ای دیگر به نام جمل^{۱۶}، که توسط مجلس اعیان در سال ۱۹۸۲ مورد حکم قرار گرفت، خواهان‌ها ۱۵ ساله و ۲۲ ساله بودند. در این پرونده، سؤال مطرح این بود که آیا تصمیم پرونده پیکت به طور صریح یا ضمنی شامل پرونده‌های مشابه

15. Teenagers' lost years claims

16. Gammell v Wilson[1982] 2 AC 27



مانند جمل می‌شود یا خیر.^{۱۷} در این دعا گفته شد که اگر زیان‌دیدگان مردان متأهل و میان‌سال با شغل ثابت و زندگی منظم باشند، برآورد خسارت برای سال‌های ازدست‌رفته نیاز به حدس و گمان خاصی ندارد، زیرا زندگی آن‌ها قابل پیش‌بینی است؛ اما در پرونده جمل، وظیفه قاضی به حدس و گمان منجر می‌شود و حدس‌ها ممکن است بسیار متفاوت باشند.^{۱۸} با این حال، دعاوی جمل، تصمیم در دعاوی پیکت را بر حق مطالبه خسارت برای سال‌های ازدست‌رفته بیشتر تقویت کرد. در این پرونده، هرچند که زیان‌دیدگان هنوز وارد بازار کار نشده بودند، اما دادگاه تصمیم گرفت که مسیر شغلی احتمالی زیان‌دیدگان برای جبران خسارت درآمد سال‌های ازدست‌رفته در نظر گرفته شود. دادگاه فرض کرد که اگر زیان‌دیدگان زنده می‌ماندند، احتمالاً توانایی کسب درآمد مشابه سایر افراد در سن و شرایط مشابه را داشتند و بنابراین معیارهایی چون سطح تحصیلات، توانایی‌های بالقوه و شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده آن‌ها را در نظر گرفت.

در حقوق ایران، همان‌طور که در مورد زیان‌دیدگان بزرگسال بیکار اشاره شد، دادگاه‌ها باید به مهارت‌ها، تخصص‌ها و شرایط سنی و اقتصادی زیان‌دیدگان توجه کنند. یکی از چالش‌های این نوع دعاوی، عدم قطعیت در مورد درآمدهای آینده است. برای اثبات اینکه زیان‌دیدگان نوجوان می‌توانست در آینده شغلی داشته باشد، باید به شواهد و قرائن مشخصی استناد کرد که در صورت اثبات، می‌توانند تحت عنوان منافع ممکن‌الحصول جبران شوند. در مقابل، چنانچه زیان‌دیده به دلیل ناتوانی جسمانی یا سایر عوامل پیش از وقوع حادثه توانایی کار کردن نداشت یا وضعیت او به گونه‌ای بود که قادر به درآمدزایی نبود، ادعای خسارت سال‌های ازدست‌رفته به دلیل شمول عنوان خسارت عدم‌النفع احتمالی، قابل جبران نخواهد بود. دادگاه‌ها می‌توانند از مدارک، شواهد آماری و گزارش‌های کارشناسی استفاده کنند تا تخمین بزنند که زیان‌دیده در شرایط عادی چقدر می‌توانست در آینده درآمد کسب کند.

17. Megaw LJ at p 32 in Gammell v Wilson[1982] 2 AC 27

18. Lord Diplock at p 65 in Gammell v Wilson[1982] 2 AC 27



۳-۴. ادعای سال‌های ازدست‌رفته کودکان^{۱۹}

بر اساس تصمیمات دادگاه‌های انگلستان در پرونده‌های پیکت و جمل، مطالبه خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» برای زیان‌دیدگان بزرگسال و نوجوان پذیرفته شده و دیگر در این خصوص تردیدی وجود ندارد. با این حال، وضعیت زیان‌دیدگان کودک همچنان محل بحث است. کودکان به دلیل سن کم و عدم ورود به بازار کار، در زمان حادثه منبع درآمدی ندارند. اگرچه کاهش امید به زندگی می‌تواند برای آنان نیز به معنای محرومیت از فرصت‌های کسب درآمد در آینده تلقی شود، اما به دلیل نبود سابقه شغلی یا درآمدی، محاسبه خسارت مادی برای سال‌های ازدست‌رفته آنان پیچیده‌تر است. به همین دلیل، در مواردی که زیان‌دیده کودک است، دادگاه‌های انگلستان هنوز خود را ملزم به تصمیم دادگاه تجدیدنظر در پرونده‌ی کروک^{۲۰} می‌دانند و از محاسبه خسارت سال‌های ازدست‌رفته برای زیان‌دیدگان کودک امتناع می‌کنند.

در پرونده کروک که زیان‌دیده کودکی ۷ ساله با امید به زندگی بین ۲۰ تا ۴۰ سال تشخیص داده شده بود، دادگاه استدلال کرد که محاسبه خسارت برای کودکان به دلیل عدم امکان پیش‌بینی مسیر شغلی و درآمد احتمالی آنان شدیداً مبنی بر حدس و گمان است. همچنین، دادگاه به عدم وجود افراد تحت تکفل در مورد زیان‌دیده اشاره کرد و اظهار داشت که در محاسبه خسارت برای بزرگسالان، تمایل به تأمین آینده بستگان به‌عنوان دلیلی اجتماعی و حقوقی مدنظر است، درحالی‌که چنین شرایطی برای کودک وجود ندارد^{۲۱}. این عدم تطابق میان رأی پرونده کروک و احکام پرونده‌های پیکت و جمل در یکی از پرونده‌های دادگاه تجدیدنظر^{۲۲} نیز مطرح و مورد انتقاد دیگر قضات^{۲۳} نیز واقع شد، زیرا مبنای رأی در پرونده‌های اخیر، صرفاً از دست دادن توانایی و فرصت کسب درآمد بود و نه وجود افراد تحت تکفل. به‌ویژه در پرونده جمل، یکی از زیان‌دیدگان نوجوان بود که فاقد افراد تحت تکفل مالی بود. در پرونده

19. Childrens' lost years claims

20. Croke v Wiseman [1982] 1 WLR 71

21. Griffiths LJ at 82 in Croke v Wiseman [1982] 1 WLR 71

22. Court of Appeal in Iqbal v. Whipps Cross University NHS Trust [2007] EWCA Civ 1190

23. CCC v Sheffield Teaching Hospitals NHS Foundation Trust [2023]



پیکت نیز قضات^{۲۴} تأکید کردند که داشتن یا نداشتن بستگان تحت تکفل تأثیری در استحقاق مطالبه خسارت سال‌های ازدست‌رفته ندارد. از این رو، استدلال شده که چرا بزرگسالان یا نوجوانانی که ممکن است حتی فرزندان یا بستگانی تحت تکفل نداشته باشند، می‌توانند برای خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» درخواست جبران کنند، اما کودکانی که تنها چند سال از آنان کوچک‌ترند باید از این حق محروم شوند (Regan, 2018, p.12).

با توجه به اینکه حکم دادگاه تجدیدنظر در پرونده کروک برای دادگاه‌های انگلستان لازم‌الاتباع است، این دادگاه‌ها از پذیرش دعاوی خسارت سال‌های ازدست‌رفته برای کودکان امتناع می‌ورزند، مگر اینکه دیوان عالی حکم را نقض کند یا قانونی از سوی پارلمان تصویب گردد. در حقوق ایران نیز، خسارت ناشی از کاهش امید به زندگی در کودکان به معنای از دست رفتن فرصت‌های کسب درآمد در آینده است. ارزیابی آینده شغلی و درآمدی کودکان بیشتر مبتنی بر پیش‌بینی‌های آماری و فرضیات غیرقطعی است، بنابراین نمی‌توان به تخمین درآمدی آن‌ها استناد کرد. از این رو، به نظر می‌رسد که نمی‌توان برای خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» در مورد کودکان به قواعد عمومی جبران خسارت یا منافع ممکن‌الحصول استناد کرد.

۵. انواع خسارت‌های مادی قابل مطالبه در دعاوی سال‌های ازدست‌رفته

خسارت‌های مادی ناشی از دعاوی «سال‌های ازدست‌رفته» تنها به درآمد ازدست‌رفته محدود نمی‌شود، هرچند اغلب با آن مرتبط است (Brennan & Hennessy, 2001, p. 8). چرا که درآمد ناشی از شغل یا حرفه در سال‌های ازدست‌رفته بخش مهمی از منافع مالی‌ای است که فرد به دلیل کاهش امید به زندگی از دست می‌دهد. با این حال، زیان‌دیده علاوه بر درآمد ازدست‌رفته، می‌تواند مزایای مالی دیگری را که در این سال‌ها از دست داده نیز مطالبه کند. در دعاوی پیکت

24. Lord Edmund-Davies at p 162



یکی از قضات^{۲۵} بیان کرد که زیان‌دیده نه تنها حق مطالبه درآمدی که در سال‌های باقی‌مانده عمر از دست داده را دارد، بلکه می‌تواند منافعی را که به‌صورت متعارف انتظار داشته در این سال‌ها کسب کند نیز مطالبه نماید، حتی اگر این منافع مستقیماً در بازار قابل خرید و فروش نباشند (White, 1985, p.302).

یکی از چالش‌های اصلی در دعاوی مرتبط با «سال‌های ازدست‌رفته» در دادگاه‌های انگلستان این است که آیا منافع مالی مانند سود انباشته سهام که زیان‌دیده به عنوان سهامدار می‌توانست از آن بهره‌مند شود، باید در محاسبه خسارت درآمدهای ازدست‌رفته لحاظ گردد یا خیر. این موضوع برای نخستین بار در پرونده ادست^{۲۶} مطرح شد که خواهان، مردی جوان و ۲۶ ساله، علاوه بر کار در شرکت پدرش، سهامدار سه شرکت بزرگ دیگر نیز بود. اختلاف اصلی این بود که آیا دادگاه باید علاوه بر حقوق و درآمد ماهیانه او، سود انباشته سهام وی در آن شرکت‌ها را هم به عنوان خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» در نظر بگیرد یا خیر. برخی قضات معتقد بودند سود سهامی که بین سهامداران تقسیم می‌شود باید به عنوان خسارت محسوب گردد، اما درباره سود انباشته‌ای که هنوز تقسیم نشده اختلاف نظر وجود داشت. در نهایت، دادگاه تنها سود سهام تقسیم‌شده را به عنوان خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» پذیرفت و سود انباشته را مستحق جبران ندانست، زیرا زیان‌دیده توانایی کسب درآمد از کار خود را از دست داده بود، نه درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری‌های غیرفعال؛ بنابراین تنها منافع باید محاسبه شود که فرد در زمان مرگ از آن‌ها بهره‌مند می‌شد و با مرگ زود هنگام خود از دست داده است، مانند حقوق و سود سهام تقسیم‌شده (Ganapathy, 2021, p.13).

با این حال، در یکی از دعاوی اخیر^{۲۷} دادگاه تجدیدنظر درآمد ناشی از سود سهام را با توجه به شرایط خاص زیان‌دیده به عنوان خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» پذیرفت. در این پرونده، زیان‌دیده که مؤسس و مدیرعامل شرکت بود، درآمدش شامل حقوق و سود سهام از

25. Pickett v British Rail Engineering Ltd [1980] AC 136 per Lord Wilberforce at 150D and 151A

26. Adsett v. West [1983] QB 826

27. Head (Executrix of the Estate of Michael Head Deceased) v. The Culver Heating Co Limited [2021] EWCA Civ 34



همان شرکت بود. حقوق وی به دلیل بهره‌وری مالیاتی پایین نگه داشته شده و بازتاب‌دهنده ارزش واقعی کار او برای شرکت نبود.

زیان‌دیده پیش از تأسیس شرکت خود در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، در حین کار برای عامل زیان در معرض مواد شیمیایی قرار گرفته بود. در سال ۲۰۱۷ علائم نوعی سرطان ریه در او ظاهر شد و تأیید گردید که این بیماری به شدت امید به زندگی او را کاهش می‌دهد. او دعوای «سال‌های ازدست‌رفته» را مطرح کرد و استدلال نمود که دستمزد و سود سهام خود را در سال‌های آتی به دلیل بیماری از دست خواهد داد. قضات تجدیدنظر اذعان کردند که درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری قابل مطالبه نیست، اما استدلال نمودند که درآمد سود سهام زیان‌دیده ناشی از سرمایه‌گذاری نبوده است. دلیل این تصمیم، این بود که حقوق زیان‌دیده عمداً پایین نگه‌داشته شده بود و سود سهام وی مستقیماً حاصل تلاش او در شرکت محسوب می‌شد. در نتیجه، دادگاه مقرر نمود که تمام درآمد او، چه از حقوق و چه از سود سهام، محصول کار او بوده و باید در محاسبه خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» لحاظ شود.

به این ترتیب، در دعوای مرتبط با «سال‌های ازدست‌رفته»، خسارت‌های مادی به درآمد ازدست‌رفته محدود نمی‌شوند و ممکن است با توجه به شرایط زیان‌دیده، شامل سایر منافع مالی نیز گردند.

در نظام حقوقی ایران، اگرچه دعوای مرتبط با «عدم‌النفع» عمدتاً بر درآمد ازدست‌رفته متمرکز است، می‌توان برای انطباق این موضوع با خسارت‌های ناشی از «سال‌های ازدست‌رفته» پیشنهاد کرد که دادگاه‌ها، با استفاده از اصولی که در حقوق انگلستان استفاده می‌شود، امکان جبران سایر منافع را که فرد از دست داده نیز در نظر بگیرند. به این ترتیب، علاوه بر حقوق و درآمد ماهیانه ازدست‌رفته، منافع دیگری نظیر سود سهام نیز می‌تواند مشمول جبران خسارت قرار گیرد، به شرطی که مستقیماً نتیجه تلاش و فعالیت فرد باشد. در نتیجه اصل جبران کامل خسارات، به‌ویژه برای زیان‌دیدگانی که از فرصت‌های مالی بیشتری محروم شده‌اند، به‌طور بهتری محقق می‌گردد.



۶. نحوه محاسبه خسارت سال‌های ازدست‌رفته

خسارت سال‌های ازدست‌رفته با توجه به امید به زندگی احتمالی زیان‌دیده در صورت عدم وقوع صدمه بدنی و مقایسه آن با امید به زندگی پس از وقوع صدمه محاسبه می‌شود. هنگامی که فردی دچار آسیبی می‌شود که موجب کوتاه‌شدن عمر او می‌گردد، غرامت برای درآمد ازدست‌رفته تا پایان عمر کاری او و با در نظر گرفتن سال‌هایی که انتظار می‌رود به دلیل آسیب از دست بروند محاسبه می‌شود. عوامل مورد نظر برای محاسبه این خسارت شامل سن زیان‌دیده، عمر کاری پیش‌بینی‌شده، سن بازنشستگی، وضعیت سلامت و امید به زندگی پیش از آسیب، درآمد و فرصت‌های شغلی بالقوه می‌باشد. به عنوان مثال، زیان‌دیده‌ای ۳۰ ساله که در صورت عدم وقوع صدمه تا ۶۵ سالگی توان کسب درآمد داشت و پس از آن نیز امید بر آن بود که تا ۲۰ سال دیگر، یعنی تا سن ۸۵ سالگی زنده بماند، اما به دلیل صدمه، امید به زندگی او به ۵۰ سال کاهش یافته است؛ خسارت سال‌های ازدست‌رفته شامل ۱۵ سال درآمد و ۲۰ سال حقوق بازنشستگی او خواهد بود (Smith & Keenan, 2004, p.496). محاسبه تأثیر صدمه بدنی بر امید به زندگی زیان‌دیده، در سه مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول، دادگاه بررسی می‌کند که در صورت عدم وقوع صدمه، امید به زندگی خواهان چقدر بود. در مرحله دوم، امید به زندگی او پس از وقوع صدمه بررسی و تفاوت این دو مقدار مشخص می‌شود. در مرحله سوم، علاوه بر مدت‌زمان ازدست‌رفته، درآمدها و منافع مالی ازدست‌رفته فرد ارزیابی می‌شود. سپس، این درآمدها در سال‌هایی که ازدست‌رفته‌اند، ضرب می‌گردد تا میزان خسارت‌های مادی سال‌های ازدست‌رفته تخمین زده شود.

یکی از چالش‌های اصلی در محاسبه خسارت سال‌های ازدست‌رفته محاسبه هزینه‌های زندگی شخصی زیان‌دیده^{۲۸} است. دادگاه‌ها معمولاً هزینه‌هایی را که زیان‌دیده باید در طول عمر خود برای نیازهای روزمره مثل خوراک، مسکن، پوشاک و سایر مخارج شخصی صرف کند، از کل خسارت کسر می‌کنند. دلیل این کسر آن است که اگر زیان‌دیده زنده می‌ماند، این

28. Personal living expenses



هزینه‌ها از درآمد او کسر می‌شد و نمی‌توان آن را به عنوان بخشی از خسارت محاسبه کرد. چندین نظریه برای محاسبه خسارت سال‌های ازدست‌رفته مطرح شده که عمدتاً در دو دیدگاه خلاصه می‌شود. اول آنکه تنها هزینه‌های ضروری برای حفظ استانداردهای زندگی او و خانواده‌اش از کل درآمد کسر شود و مبلغ باقی‌مانده به عنوان خسارت در نظر گرفته شود. دیدگاه دوم بر این باور است که تمامی هزینه‌های زیان‌دیده از کل درآمد کسر شده و تنها آنچه که زیان‌دیده پس‌انداز می‌کرده، به عنوان خسارت محسوب شود (Burrows, 2016, p.7-8; Brennan & Hennessy, 2001, p.353). دادگاه‌های انگلستان نیز چند روش برای محاسبه کسر هزینه‌های زندگی در دعاوی سال‌های ازدست‌رفته دارند:

۱. هزینه‌های زندگی مشابه با دعاوی تصادفات منجر به فوت: در این روش، هزینه‌های زندگی زیان‌دیده مشابه با هزینه‌های وابستگان در دعاوی ناشی از تصادفات منجر به فوت و طبق قانون تصادفات مرگبار محاسبه می‌شود. این روش با این استدلال انجام می‌شود که زیان‌دیده بخشی از درآمد خود را صرف مخارج شخصی و بخشی را صرف خانواده می‌کرده است، پس با فوت، دیگر آن هزینه‌ها متحمل نخواهد شد؛ بنابراین، معمولاً ۵۰ درصد از درآمد خالص زیان‌دیده متأهل را به عنوان هزینه زندگی جهت حفظ استانداردهای زندگی زیان‌دیده و خانواده‌اش کسر می‌شود. البته در برخی از دعاوی^{۲۹}، بر اساس مدارک ارائه شده این درصد تغییر یافته است.

۲. محاسبه خسارت بر اساس پس‌انداز: در این روش، خسارت محدود به میزانی می‌شود که زیان‌دیده در سال‌های ازدست‌رفته می‌توانست پس‌انداز کند.

۳. محاسبه بر اساس خالص درآمد پس از کسر هزینه‌های زندگی زیان‌دیده: در این روش، دادگاه با کسر هزینه‌های زندگی زیان‌دیده از درآمد خالص، خسارت سال‌های ازدست‌رفته را محاسبه می‌کند. این استدلال وجود دارد که زیان‌دیده ممکن است بخواهد تمام

29. Phipps v Brooks Dry Cleaning Services Ltd [1996] PIQR at Q100, Q105; Shanks v Swan Hunter Group Plc [2007] EWHC 1807 (QB)



اموال خود را صرف امور خیریه یا امور دیگری کند یا اینکه افراد خانواده‌اش را از بهره‌مندی از دارایی‌اش محروم کند که طبق قوانین مربوط به ارث خانواده، امکان‌پذیر است^{۳۰}؛ بنابراین تنها هزینه‌های زندگی خود زیان‌دیده باید کسر شود (Brennan & Hennessy, 2001, p.8; Makesinis et al., 2005, p.138). با این توضیحات، هنوز دادگاه‌های انگلستان بر سر مفهوم دقیق هزینه‌های شخصی زندگی توافق کامل ندارند و روش یکسانی اعمال نمی‌کنند.

در نظام حقوقی ایران، محاسبه خسارت‌های مادی «سال‌های از دست‌رفته» با وجود پرداخت دیه یکی از چالش‌های مهم و مورد توجه است. دیه که به عنوان جبران صدمات بدنی پرداخت می‌شود، در بسیاری از موارد دیه زیان‌های مالی ناشی از درآمدهای از دست‌رفته و سایر منافع مالی را پوشش نمی‌دهد. این مسئله، خصوصاً در مواردی که زیان‌دیده به دلیل صدمه و کاهش امید به زندگی، بخش قابل‌توجهی از درآمد آینده و سال‌های کاری خود را از دست می‌دهد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در فرض پذیرش جبران این خسارت سال‌های از دست‌رفته توسط دادگاه‌ها، پیشنهاد می‌شود که محاسبه خسارت سال‌های از دست‌رفته، مشابه رویه‌های دادگاه‌های انگلستان صورت گیرد تا پوششی جامع‌تر از زیان‌های مالی و بدنی ارائه شود. دادگاه‌ها می‌توانند هزینه‌های شخصی زیان‌دیده را نیز از درآمد پیش‌بینی‌شده او کسر کنند تا تنها آن بخش از درآمدی که برای خانواده یا پس‌انداز در نظر گرفته می‌شد، به عنوان خسارت در نظر گرفته شود.

۷. نتیجه‌گیری

رهیافت‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوقی انگلستان، دعاوی مربوط به خسارت «سال‌های از دست‌رفته» در خصوص زیان‌دیدگان بزرگسال و نوجوان، با هدف جبران منافع مالی‌ای که فرد به دلیل کاهش امید به زندگی از دست داده، پذیرفته شده است. دادگاه‌ها در این

30. Lord Salmon in *Pickett v British Rail* [1980] AC 136 at p 154



دعاوی پس از کسر هزینه‌های زندگی فرد، خسارت نهایی را محاسبه می‌کنند. هرچند در خصوص کودکان، به دلیل عدم قطعیت در پیش‌بینی آینده شغلی و درآمدی آن‌ها، جبران خسارت سال‌های ازدست‌رفته پذیرفته نشده است و این امر انتقادات برخی از قضات و نویسندگان حقوقی را برانگیخته است. به عقیده منتقدان، از آنجا که در دعاوی نوجوانان نیز دادگاه‌ها با استفاده از تخمین‌های آماری به ارزیابی درآمدهای احتمالی پرداخته‌اند، همین روش می‌تواند برای کودکان نیز به کار رود.

در حقوق ایران، اگرچه مفهوم خسارت «سال‌های ازدست‌رفته» به صراحت تعریف نشده است، اما می‌توان آن را ذیل عناوین «عدم‌النفع» یا «منافع ممکن‌الحصول» در چارچوب مسئولیت مدنی توجیه کرد. مطابق ماده ۱ و ۵ قانون مسئولیت مدنی، چنانچه زیان‌دیده می‌توانست در سال‌های ازدست‌رفته درآمد کسب کند، جبران این منافع حداقل در مورد بزرگسالان شاغل امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. در خصوص افراد بیکار یا نوجوانان، در صورتی که شواهدی مبنی بر ورود احتمالی آن‌ها به بازار کار وجود داشته باشد، می‌توان منافع آینده را به عنوان «منافع ممکن‌الحصول» در نظر گرفت، هرچند دادگاه‌ها در پذیرش این دعاوی محتاط هستند. در مورد زیان‌دیدگان کودک نیز به دلیل پیش‌بینی‌های غیرقطعی، چالش‌های بیشتری وجود دارد.

با این حال، برای امکان‌پذیر شدن طرح این دعاوی در نظام حقوقی ایران، پیشنهاد می‌شود اصلاحاتی در قوانین مرتبط انجام گیرد. مهم‌ترین مانع قانونی، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است که مطالبه منافع ممکن‌الحصول را در موارد پرداخت دیه محدود کرده است. بازنگری و اصلاح این تبصره، با افزودن استثنائاتی که امکان مطالبه خسارت در مواردی که شواهد کافی بر از دست رفتن یک منفعت قطعی وجود دارد را فراهم کند، می‌تواند نقش مهمی در پذیرش دعاوی سال‌های ازدست‌رفته ایفا کند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در قانون مسئولیت مدنی ماده‌ای اضافه شود که معیارهای تفکیک «عدم‌النفع» از خسارت احتمالی را به طور دقیق مشخص کند تا رویه قضایی در این زمینه شفاف‌تر گردد.



۸. منابع

۱-۸. منابع فارسی

الف) کتب

- ۱- امامی، سید حسن (۱۳۷۰). حقوق مدنی، تهران، کتاب‌فروشی امامیه، چاپ هشتم، جلد اول.
- ۲- بابایی، ایرج (۱۳۹۵). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۳- باریکلو، علی رضا (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
- ۴- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴). حقوق مدنی ۴ (مسئولیت مدنی)، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۵). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۶- داراب پور، مهرباب (۱۳۹۶). حقوق مدنی ۴ (مسئولیت خارج از قرارداد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- ۷- ره پیک، حسن (۱۳۹۵). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۸- شمس، عبدالله (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات دراک، جلد اول.
- ۹- صفایی، سیدحسین و حبیب اله رحیمی، (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- عباسلو، بختیار (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۱- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۹۰). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، چاپ سیزدهم،



تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.

۱۳- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، جلد اول.

۱۴- مهمان‌نوازان، روح اله (۱۳۹۰). خسارات قابل جبران در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، مجد.

۱۵- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). رساله عملی در مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

ب) مقالات

۱- بادینی، حسن (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، صص ۵۹-۷۸.

۲- کریمی، عباس، حسن بادینی، و محمدهادی جواهرکلام، (۱۴۰۱). «نگرشی انتقادی و تحلیلی بر تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (جمع دیه و خسارت)». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲، صص ۳۶۷-۳۸۷.

۳- کاظمی، محمود (۱۳۹۵). «شیوه‌های جبران زیان‌های جسمانی در حقوق اسلام و نظام‌های حقوقی جدید»، در جمعی از نویسندگان به کوشش امیرحسین رنجبریان، حقوق، جان‌مایه بقای اجتماع (گفتارهای حقوقی در نکوداشت استاد دکتر سید عزت الله عراقی)، تهران، سمت، چاپ سوم، صص ۶۳۶-۶۷۶.

1. Abbasloo, Bakhtiar (2015). *Civil Liability with Comparative Approach*, 2nd Printing, Tehran, Bonyad-e Hoquqi-ye Mizan.
2. Badini, Hassan (2011). "Comparative Study of Reparability of Economic Loss in Tort Law", *Faslnameh-ye Hoquq*, Majalle-ye Daneshkade-ye Hoquq va Oloum-e Siasi, No. 1, pp. 59-78.
3. Bahrami Ahmadi, Hamid (2015). *Civil Law 4 (Responsibility Civil)*, 3rd Printing, Tehran, Bonyad-e Hoquqi-ye Mizan.
4. Barikloo, Alireza (2017). *Civil Responsibility*, 7th Printing, Tehran, Nashr-e



- Mizan.
5. Babayaei, Iraj (2016). *Tort Law*, 1st Printing, Tehran, Nashr-e Mizan.
 6. Darabpour, Mehrab (2017). *Civil Liabilities (Damages and Restitution)*, 3rd Printing, Tehran, Entesharat-e Majd.
 7. Emami, Seyyed Hassan (1991). *Hoqouq-e Madani*, Tehran, Ketabforoushi-ye Emamiyeh, 8th Printing, Jeld-e Avval [In Persian]
 8. Ghasemzadeh, Seyyed Morteza (2011). *The Law of Torts*, 9th Printing, Tehran, Nashr-e Mizan.
 9. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2016). *Terminology-e Hoqouq*, 29th Printing, Tehran, Entesharat-e Ganj-e Danesh [In Persian]
 10. Karimi, Abbas; Badini, Hassan & Javaherkalam, Mohammad Hadi (2022). "A Critical Analysis to Note Two of Articles 14 of the Criminal Procedure Code of 1392 SH: Compatibility of Blood Money and Civil Damages", *Faslnameh-ye Motāle'āt-e Hoqouq-e Khosoosi*, No. 2, pp. 367-387.
 11. Katouzian, Nasser (2014). *Extra-contractual Obligations (Civil Liability)*, 13th Printing, Tehran, Entesharat-e Daneshgah-e Tehran, Jeld-e Avval.
 12. Kazemi, Mahmoud (2016). "Shivehā-ye Jobrān-e Ziyān-hā-ye Jesmāni dar Hoqouq-e Eslām va Nezāmhā-ye Hoqouqi-ye Jadid", dar *Jam'i az Nevisandegān be Koushesh-e Amirhossein Ranjbarian, Hoqouq, Janmāyeh-ye Bagha-ye Ejtemā'*, Tehran, SAMT, 3rd Printing, pp. 636-676 [In Persian].
 13. Mehmān Navāzān, Rouhollah (2011). *Private Law Atonable Damages in Iranian Law*, 2nd Printing, Tehran, Majd.
 14. Mirshkari, Abbas (2018). *Resaleh-ye Amali dar Masouliyat-e Madani*, 2nd Printing, Tehran, Sherkat-e Sahāmi-ye Enteshar [In Persian].
 15. Mohaqqueq Damad, Seyyed Mostafa (2010). *The Rules of Islamic Jurisprudence (Civil Section)*, Markaz-e Nashr-e Oloum-e Eslami, Jeld-e Avval.
 16. Rahpeik, Hassan (2016). *Civil Liability and Remedies Law*, 3rd Printing, Tehran, Entesharat-e Khorsandi.
 17. Safaei, Seyyed Hossein & Rahimi, Habibollah (2015). *Civil Law (Persons and Persons under Legal Incapacity)*, 8th Printing, Tehran, Entesharat-e SAMT.
 18. Shams, Abdollah (2015). *Procedure Civile (Approfondie)*, 33rd Printing, Tehran, Entesharat-e Derak, Jeld-e Avval.



۸-۲. منابع انگلیسی

A) Books

- 1- Burrows, Andrew (2016). *Principles of the English Law of Obligations*, 1st edition, United Kingdom, Oxford University Press.
- 2- Cane, Peter (2002). *The Anatomy of Tort Law*, United Kingdom, Hart Publishing.
- 3- Harpwood, V. H. (2005). *Modern Tort Law*, United Kingdom, Cavendish Publishing.
- 4- Horsey, Kirsty & Rackley, Erika (2017). *Tort Law*, 5th Edition, United Kingdom, Oxford University Press.
- 5- Markesinis, Basil, Coester, Michael, Alpa, Guido, Ullstein, Augustus (2005). *Compensation for Personal Injury in English, German and Italian Law: A Comparative Outline*, 1st Edition, London, Cambridge University press.
- 6- Smith, Kenneth, Keenan, Denis J. (2004). *Smith & Keenan's English Law*, 14th edition, United Kingdom, Pearson Education.
- 7- Ward, John O., Thornton, Robert J (2009). *Personal Injury and Wrongful Death Damages Calculations: Transatlantic Dialogue*, 1st Edition, United Kingdom, Emerald Group Publishing.

B) Articles

- 1- Braybrooke, E K (1963). "Some Recent Developments in the Law of Torts". UWALawRw 10, University of Western Australia Law Review, <https://www.austlii.edu.au/cgi-bin/viewdoc/au/journals/UWALawRw/1963/10>
- 2- Brennan, Niamh & Hennessy, John (2001). "Forensic Accounting and the Calculation of Personal Injury Damages", *Bar Review*, pp 533-539.
- 3- Ganapathy, Vijay (2021). "Tort: a new landscape?. Personal injury LEGAL UPDATE". *New law journal*, pp 13-14. https://www.newlawjournal.co.uk/docs/default-source/article_files/specialist_personal-injury_ganapathy.pdf?sfvrsn=60827dc4_1
- 4- Gough, I.P. (1983). "The "lost years": the claim for loss of earnings". *De Rebus*, volume (1983), No. 190, 486-493.



https://hdl.handle.net/10520/AJA02500329_5065

- 5- Prevett, J. H. (1982). "Assessment of Damages: The Current Situation in the UK (United Kingdom) Lost Years and Lost Chances, Papers on Damages and Compensation: 8th Conference Stratford-upon-Avon, England,
https://www.actuaries.org/iaa/IAA/Events/PastEvents/IACA/Stratford-upon-Avon_1982
- 6- Regan, David (2018). "Losing out on the lost years", *New law journal*, pp 11-12.
<https://www.stjohnschambers.co.uk/wp-content/uploads/2018/08/Losing-out-on-the-lost-years.pdf>
- 7- White, J. P. M. (1985). "Damages for the lost earnings of the lost years", *Irish Jurist*, New series, Vol. 20, No. 2, pp. 295-333.

C) Cases

- 1- Pickett v British Rail Engineering Ltd [\[1980\] AC 136](#)
- 2- Oliver v. Ashman [1962] 2 Q.B. 210
- 3- Gammell v Wilson [1982] 2 AC 27
- 4- Croke v Wiseman [1982] 1 WLR 71
- 5- Iqbal v. Whipps Cross University NHS Trust [2007] EWCA Civ 1190
- 6- CCC v Sheffield Teaching Hospitals NHS Foundation Trust [2023]
- 7- Adsett v. West [1983] QB 826
- 8- Head (Executrix of the Estate of Michael Head Deceased) v. The Culver Heating Co Limited [2021] EWCA Civ 34
- 9- Phipps v Brooks Dry Cleaning Services Ltd [1996] PIQR at Q100, Q105
- 10- Shanks v Swan Hunter Group Plc [2007] EWHC 1807 (QB)